

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



[iran.sabz88@yahoo.com](mailto:iran.sabz88@yahoo.com)

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهار دوست

نگاه سبز

# روزنامه سبز

زنجیر سبز جهانی

جادوی همصدایی

شماره پنجم، دهم تیرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

ما پیروز می شویم

ویدا فرهودی

زنجیره سبز جهان را به هم پیوند

جادوی همصدایی دیوار شب گشاید  
قشر غلیظ و هم از اندیشه ها زداید

بیانیه شماره ۹ میرحسین موسوی رئیس جمهور منتخب

می زند. ایرانیان آزادیخواه بازو

در بازوی زنان و مردان آزاده جهان

فریاد می زنند:

سی سال مام میهن، در بیت ماند و شیون  
آزادگی کنونش، گوید هر آن چه باید

## دولت نامشروع است

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم.

آن را که یأس و یغما، پوشاند روی زیبا  
با همت جوانت تک روی خود نماید

## مبارزه ادامه دارد

بیانیه روزنامه نگاران  
ایرانی

در انتظار بودیم، در انتظار روزی  
کین گونه دست همت از قعر شب براید

رئیس جمهور منتخب تشکیلات مستقلی راه  
اندازی می کند و صاحب تلویزیون مستقل  
در خارج از کشور خواهد شد.

دعوت برای حضور  
در اجتماع بزرگ  
بروکسل

عمری گذشت بر ما، بر ما که سبز بودیم  
در سرخ و وقت میهن، تا سرخی اش بپاید

افسوس جوی خون را، شیدایی جنون را  
آن روز کس ندانست، قدری چنان که باید

دو روز پس از تایید انتخابات ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان، میر حسین موسوی در بیانیه ای جدید با غیر مشروع دانستن دولت محمود احمدی نژاد اعلام کرد: مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض ادامه دهیم.

ایرانیان! زنان، مردان، سالمندان و جوانانی که به جهان نشان دادید ملت ایران سر فراز، آزاد است و حقوق خود را از راههای مسا ملت آمیز و بدون خشونت دنبال می کند.

شد جملگی پریشان، در تو به تویی حرمان  
افتاد آرزومان در تنگنای "شاید"...

اینک ولی پیامت، سر سبزی مرامت  
بر واژه ها نشسته، بس شعر می سراید

شورای نگهبان روز دوشنبه اعلام کرد که شکایات و اعتراض ها به نتایج انتخابات دهم ریاست جمهوری وارد نیست و صحت برگزاری و نتیجه انتخابات را تایید می کند. به گفته این شورا، پرونده انتخابات مختومه شده است.

هموطنان آزاده ما در بروکسل از همه ایرانیان خواسته اند: "در چارچوب خواست ها و شعارهای مردم ایران در متینگ اعتراضی که در برابر شورای اروپا برگزار می شود، شرکت کنند."

بگشوده ای پر و بال ای شاخه ی جوانسال  
در بطن بیت سرخی کز جان من برآید

میر حسین موسوی، نامزد معترض انتخابات، در بخش هائی از بیانیه شماره ۹ و مفصل خود گفته است:

رضا علامه زاده فیلمساز برجسته و جواد طالعی روزنامه نوی سرشناس هم از این حرکت پشتیبانی کرده اند.

بالیدنت مبارک ای زاده ی سپاوش  
شوریدنت چون آتش، باشد که شب گشاید

«همچنانکه انتظار می رفت شورای نگهبان، پس از نمایش هایی که توجه هیچ کس را جلب نکرد، و با چشم بستن بر روی انبوه تقلب ها و تخلف های صورت گرفته، سرانجام نتایج دهمین دوره انتخابات

ما روزنامه نگاران ایرانی از همه

ایرانیان عزیز می خواهیم به این دعوت پاسخ مثبت بدهند.

ریاست جمهوری را تایید کرد.

۲۵ خرداد ۱۳۸۸

## فکر مدارا مکن

فکر مدارا مکن، دشمنان دیو خوست  
مرگ خرد پیشگان دانما اش آرزوست  
دین بودش آلتی بهر فرومایگی  
خون جوانان ورا آب طهور وضو ست

مهر ریایش بین، زشت و سیه بر جبین  
تا که بدانی که ات، وقت جدل روبرو ست  
عشق ورا در اساس، لایق دار و قصاص  
عاشق صادق حذر، گر بکند، هم از اوست  
صحبت سازش چرا؟! نرمی و خواهش  
کجا؟!  
خشم جنون پیشه را، بیهوده هر گفتگو ست

از بس. یغما شدن، زحمت جان ها شدن  
قصه ی رسوایی اش ورد زبان کو به کو  
ست

این خس و خاشاک راوارث ضحاک را  
موج خروشانمان یکسره در شستشو ست  
سبز شود هلله از دل فریاد ها  
مام وطن را کنون بغض اگر در گلو ست

بگذرد ایام غم، دیر نباید ستم  
یاد بیاری اگر: دشمنان دیو خوست

۳۰ خرداد ۱۳۸۸-پاریس

## ابابیل در امیرآباد

### محسن بوالحسنی

الو تنفس مصنوعی!

این دست های او سنگین است  
بگو به او  
این دست های او سنگین است  
و شاهد من

که فوج فوج ابابیل  
آسمان تهران را سیاه کرده

و من

از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می برد و اکثریتی از جامعه، که اینجانب نیز یکی از آنها هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی پذیرد.

تمامی تلاش هایی که این روزها در مخالفت با شما صورت می گیرد برای آن است که از ثمر بخش بودن اعتراضات قانونی خود نا امید شوید، زیرا تا ما نا امید نشویم این دولت از اعتبار واقعی برخوردار نخواهد بود.

«مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم و از تلاش برای استیفای حقوق مردم دست برد نداریم شاید بگویید که با این همه قید و بند دیگر فرجه ای برای بیان اعتراض باقی نمانده است. این گمان خامی است که مخالفان سطحی اندیش و افراطی شما در سر دارند. مسئولیت دینی ماست که نگذاریم انقلاب و نظام به آنچه اسلام نمی پسندد استحاله یابد. مسئولیت انقلابی ماست که نگذاریم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهکک شود.

نخست وزیر منتخب در این بیانیه از هواداران خود خواسته است «فریب شعارهای ساختار شکنانه» را نخورند و به «همه نهادهای تصمیم گیر در نظام» توصیه کرده است که «چون شورای نگهبان عمل نکنند و مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند. بسته شدن این راه، تهدید ساختار شکنی را به عنوان تنها بدیل مطرح خواهد کرد.

رئیس جمهور منتخب خیر داده است که با همکاری گروهی از نخبگان، جمعیتی قانونی برای صیانت از حقوق و آرای پامال شده مردم در انتخابات گذشته را راه اندازی می کند و افزوده که این گروه، اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی را دستور کار خود نیز خواهد داشت.

میر حسین موسوی همچنین به پیگیری مطالبات دیگر شامل «توقف برخوردهای امنیتی، فوق امنیتی و نظامی با مسائل انتخاباتی»، «راعییت اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات»، «آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنها»، «ممنوعیت مداخلات غیر قانونی دولت در فضای ارتباطی»، «برخورداری از کانال های مستقل تلویزیونی در خارج و داخل کشور» و تاکید کرده است.

**متن کامل این بیانیه را در ضمیمه این شماره روزنامه سبز بخوانید.**

## خاتمی: کودتای مخملین علیه مردم

اعتراض مردم سرکوب شده، کسانی که باید مدافع حقوق مردم باشند آن ها را تحقیر می کنند و در فضایی تبلیغاتی که مدام از آن سم به جامعه تزریق می شود حرکت مترقی و آرام مردم به اغتشاش و انقلاب رنگی با منشاء بیگانه تعبیر می شود و چهره هایی که همگی سابقه ای روشن دارند هدف پروژه نخ نمای توابع سازی و گرفتن اعتراضات بی اساس و نمایشهای تلویزیونی قرار می گیرند و آنگاه دم از آشتی ملی و فضای آرام زده می شود؟! مگر هرکس می تواند به هر صورت خواست مردم را بازداشت کند، بعد آنها را بازجویی کند و بدون اینکه کسی اطلاع از نحوه برخوردها و فشارهای وارده به آنها داشته باشد توابع سازی و اعتراف گیری کند و پیش از اینکه در دادگاهی صالح این اعتراضات بی اساس و بی ارزش به قضاوت گذاشته شود آنها را

ما ایرانیان جمع می شویم تا صدای خود را بگوش جهانیان برسانیم و اعلام کنیم: دولت ایران حاصل یک کودتای سیاسی است و برای استقرار خود که باپایمال کردن ۳۰ میلیون رای بدست آورده، دست به خشن ترین جنایات زده و تظاهرات آرام ایرانیان را به خون کشیده است.

ما گرد می آئیم تا از دولت های جهان بخواهیم از به رسمیت شناختن این دولت غیرقانونی خود داری کنند. ما از همه روزنامه نویسان ایران می خواهیم این بیانیه را از طریق این نشانی

[roozirani@yahoo.com](mailto:roozirani@yahoo.com)

امضاء کنند تا در گرد همائی بروکسل بعنوان سند در اختیار پارلمان اروپا گذاشته شود.

هوشنگ اسدی- نوشابه امیری- حسین باستانی - امید حبیبی نیا- شهرام رفیع زاده - عیسی سحر خیز - مسیح علی نژاد- نیک آهنگ کوثر - امید معماریان- ابراهیم نبوی - علیرضا نوری زاده  
برگزارکننده: ایرانیان ساکن بلژیک  
نشانی: بروکسل نشانی - میدان شومن- چهار ژوئیه - ساعت ۱۶

Rond-Pont Schuman

BXL 1040

METRO SCHUMAN

برای ارتباط و اطلاعات گرفتن لطفاً با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

0032/476/551.832

0032/475/716.925

در سطح جامعه منتشر کند و دستگاه قضایی اظهار بی اطلاعی کند؟!  
مثل دختری که رفته است هوا خوری

اگر اینچنین است تکلیف بر همه ما روشن است.

اگر این فضای مسموم تبلیغاتی و امنیتی ادامه پیدا کند، با توجه به آنچه انجام گرفت و یک طرفه اعلام شد باید بگوییم کودتای مخملین علیه مردم و جمهوریت نظام صورت گرفته.

با وضعی که ایجاد شده اگر اعتماد عمومی به جامعه بازنگردد هیچ کس دیگر دعوتی از سوی خیرخواهان برای حضور در صحنه را نخواهد پذیرفت. حتی اگر فقط ده درصد از جامعه به حاکمیت بی اعتماد شده باشد فاجعه است، در حالی که هر نگاه واقع بینی می بیند که دامنه بی اعتمادی بسیار گسترده تر است.

**متن کامل این سخنان را در بخش ضمیمه این شماره بخوانید**

## علیرضا بهشتی : راه موسوی ادامه دارد

مهمترین موضوع، آگاهی مردم نسبت به وضعیت موجود است. تمام دستگاه‌های تبلیغاتی که در دست دولت است، از جمله صدا و سیما، روزنامه‌ها، سایت‌ها و کسانی که در قالب نمایندگی مجلس یا مقام‌های دیگر به نفع دولت جو سازی تبلیغاتی می‌کنند تا آقای موسوی را اغتشاشگر معرفی کنند، باید بدانند این گونه تبلیغات در اذهان عمومی مردم جایگاهی ندارد و مردم این چیزها را به خوبی می‌فهمند.

در تماس‌های مختلف با مردم و با حضور در میان تجمعات مردم، به راحتی متوجه می‌شویم این گونه تبلیغات دیگر تاثیری که شاید چند سال قبل داشت، ندارد. آگاهی مردم به شدت بالا رفته و رفتار مدنی مردم شیوه کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، بیاناتی‌های آقای موسوی در این زمینه کاملاً روشن و شفاف است. من این را بیشتر در جهت افزایش فشار بر ایشان می‌بینم، ولی این فشارها هیچ تاثیری بر شیوه آقای موسوی برای استیفای حقوق به سرعت رفته مردم به وجود نخواهد آورد.

طبیعی است که وقتی به چنین تقلب گسترده‌ای انجام می‌شود و راه‌های قانونی برای اعتراض هم در دست دولت یا نهادهای طرفدار دولت قرار دارد، استیفای حقوق کار دشواری خواهد بود.

اما راه‌های قضایی هنوز بسته نشده است و راه‌های دیگری برای نشان دادن اعتراض به صورت مسالمت آمیز و مستمر هم توسط خود مردم ابداع می‌شود که بسیار جالب است و رفتار کاملاً مدنی و مسالمت آمیز مردم را نشان می‌دهد..

پیگیری‌های آقای موسوی به عنوان امین اکثریت آرا باید ادامه یابد، چون این آرا متعلق به خود آقای موسوی نیست که بتواند به عنوان یک حق شخصی از آن بگذرد. این آرا متعلق به همه کسانی است که رأی داده اند و بر اساس محاسبات ما، چیزی بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون رأی تقلب صورت گرفته است. ما یقین داریم آقای موسوی اکثریت آرا را به دست آورده، پس اکثریت مردم ایران حق دارند برای استیفای خود همچنان اقدام کنند.

البته این اقدامات باید به صورتی باشند که بهانه دست هیچ کس ندهد.

شمار نامعلومی طی روزهای اخیر بازداشت شده اند که برخی از آنها فعالان مدنی، سیاسی و روزنامه نگار بودند که حتی برخی از آنها دارای سمت در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی بوده‌اند. در حال حاضر، اتهام آنها مشخص نیست و بیشتر خانواده‌ها از سرنوشت وابستگان خود در زندان اطلاعی ندارند. شما این بازداشت‌ها و احتمالاً اعتراضاتی را که در برخی از روزنامه‌های وابسته به جریان اصولگرا مطرح می‌شود، چگونه می توان ارزیابی کرد؟

این بازداشت‌ها را از چند جهت می‌توان تحلیل کرد؛ برخی می‌خواهند این فرصت را مغتنم بشمارند و به یکسری تسویه حساب‌های دیرینه بپردازند و این طرح را از ابتدای جریان انتخابات در ذهن داشتند و در محافل خود مطرح کردند. اما واقعیت این است که همه چیز مطابق برنامه ریزی‌های محفلی پیش نمی‌رود و نیروهای دیگری هم در اجتماع وجود دارند که خیلی از این نقشه‌ها را ناکام می‌گذارند.

نکته دوم این است که علاوه بر فعالان مدنی و روزنامه نگاران، تعداد زیادی از جوانان و فعالان را داریم که بازداشت شده اند که هیچ جرمی به جز فعالیت درستاد آقای موسوی نداشتند.

من باید روی این مسئله تاکید کنم که بازداشت‌ها فقط به عده‌ای افراد شناخته شده منحصر نمی‌شود، بلکه گزارش‌های فراوان از سراسر کشور می‌رسد که جوانان، دانشجویان و فعالان زیادی در تهران و شهرستان‌ها بدون این که جرمی مرتکب شده باشند، احضار و یا بازداشت شده اند و جایشان معلوم نیست..

من با چشم باز

حیرت کردم از ندیدن مادرم

من با چشم باز

بازی کردم با چیزهای خطرناک

من با چشم باز

کلاس موسیقی ام را تعطیل کردم

و پیچیدم با ماشین

به سمت خیابان‌ها و پشت بام‌ها

به سمت تکثیرم در عکس‌های مختلف

به سمت امیر آباد

الو امیرآباد!

ال و

ام

ی ر

آ ب

ا د

\*\*\*

سوم تیر هشتاد و هشت

گفت وگویی رادیو فردا با محمدجواد اکبرین

## تفاوت های خامنه ای با آقای خمینی

آقای اکبرین، نظر شما درباره دلیل مخالفت دو نامزد اصلاح طلب انتخابات ریاست جمهوری با پیشنهاد

تشکیل هیئت ویژه که توسط شورای نگهبان مطرح شده چیست؟

محمدجواد اکبرین: بیانیه‌های آقای موسوی، شکایات واصله از طرف آقایان موسوی و کروبی و رضایی،

مستندات ارائه شده که بخشی از آن منتشر هم شده است و آرای کارشناسان نشان می‌دهد همه متفق‌القول

هستند که تخلفات این انتخابات به قدری گسترده است که با بازشماری ۱۰ درصد آرا یا رسیدگی به

پاره‌ای از شکایات به نتیجه نمی‌رسد. اینها معتقدند که تخلفات انتخابات به حدی است که باید ابطال شود و

این موضوع برای شورای نگهبان هم واضح شده است.

شورای نگهبان ۱۲ نفرند که شش عضو آن فقیه و شش عضو دیگر حقوقدان هستند. حقوقدانان این مدارک

را می‌بینند و اخبار غیررسمی حکایت از آن دارد که برخی از حقوقدانان شورای نگهبان معتقدند ادله

ارائه شده برای ابطال انتخابات کافی است.

اما چرا باز صحبت از هیئت ویژه می‌شود؟ به اعتقاد من مدعی اصلی صحت این انتخابات رهبر است و

شورای نگهبان اجازه ندارد ذره‌ای کوتاه بیاید.

یعنی عملاً نتیجه تحقیقات این هیئت از پیش مشخص شده است؟

بله مشخص است و من روی نامه آقای کروبی تأکید می‌کنم. در این نامه آقای کروبی به شورای نگهبان

تأکید کرده که اگر شما می‌خواهید انتخابات را تأیید کنید این کار را انجام دهید، اما هزینه آن را خودتان

بپردازید و از رهبری هزینه کنید. در واقع به طور غیرمستقیم می‌گوید مدعی اصلی صحت انتخابات

شورای نگهبان نیست، رهبری است.

نظر شما این است که این انتخابات آبی است که از جوی رفته و قابل بازگشت نیست؟

یک تفاوت ویژه بین آیت‌الله خمینی و آقای خامنه‌ای وجود دارد که من معتقدم به دلیل همین تفاوت این

شکایات به جایی نخواهد رسید.

در همین تجربه‌ای که آقای کروبی به آن اشاره می‌کند و چندین تجربه دیگر، آیت‌الله خمینی اعتبار خودش

را هزینه نهادهای قانونی کرد. من شما را ارجاع می‌دهم به نامه‌ای که نمایندگان در سال ۶۷ به آقای

خمینی نوشتند. در آن نامه به آیت‌الله خمینی نوشته‌اند بسیاری از تصمیمات سال‌های جنگ به دستور شما

بوده و با قانون هم مطابقت نداشته است، آیا این روندی است که ادامه خواهد داشت؟

آیت‌الله خمینی در پاسخ به این نامه نوشت که من از تذکرات شما تشکر می‌کنم، اما تصمیمات غیرقانونی

فقط ویژه زمان جنگ بود که وضعیت کشور اضطراری بود. از این به بعد همه باید به قانون برگردیم.

این نمونه و نمونه‌ای که آقای کروبی در نامه خود به آن اشاره می‌کند، نشان می‌دهد نهادهای قانونی برای

رهبر سابق انقلاب بسیار اهمیت داشت و اگر می‌خواست جایی شرایط را عوض کند و در بعضی نتایج

تأثیر بگذارد از خودش هزینه می‌کرد نه از نهادهای قانونی.

اما آقای خامنه‌ای در این انتخابات نشان داد که همه چیز را فدای تصمیم و خواسته خود می‌کند. شورای نگهبان اولین چیزی بود که آقای خامنه‌ای فدای خواست خود کرد. او به شورای نگهبان و کاندیداها گفت که همه چیز باید در شورای نگهبان تصمیم‌گیری شود و نه هیئت حکمیتی فراتر از شورای نگهبان. از طرفی هم گفت این انتخابات صحیح برگزار شده است. معنی این حرف چیست؟ یعنی شورای نگهبان باید مسئولیت تأیید این انتخابات را به عهده بگیرد.

آقای موسوی و کروبی از خود شورای نگهبان شاکی هستند، ولی آقای خامنه‌ای می‌گوید تصمیم در شورای نگهبان باید اتخاذ شود و این نهاد قانونی را فدای خود می‌کند. دومین چیزی که آقای خامنه‌ای فدای خود کرد اعتماد، عمومی بود. او تمام شکایات مردم را نادیده گرفت، همه را اثنویگر نامید و تأکید کرد که این رئیس جمهور ۲۴ میلیون رأی دارد.

سومین چیزی که آقای خامنه‌ای فدا کرد، جایگاه ولایت فقیه بود. صرف نظر از این که ما ولایت فقیه را قبول داشته باشیم یا نه و مقدمات نظری آن درست باشد یا غلط، به هر حال ولایت فقیه جایگاهی بود در نظام جمهوری اسلامی که قرار بود به صورت یک پدر وارد دعوایا شود و فراجحای عمل کند. در این انتخابات آقای خامنه‌ای قد ولایت فقیه را به اندازه کوتاهی قد رئیس جمهور پایین آورد و جایگاه ولایت فقیه را به اندازه یک جناح تنزل داد و به نفع یک آدم مشخص موضع‌گیری کرد. بنابراین تأکید می‌کنم که این انتخابات آبی است که به جوی باز نخواهد گشت.

## مسعود سفیری روزنامه نویسی

# هاشمی رفسنجانی بر سر دوراهی

باید روحیه مردان سیاسی مانند هاشمی رفسنجانی را شناخت. او آدمی است که در تقسیم قدرت سهیم می‌شود و منتظر می‌نشیند تا ببیند آیا این قدرت را با او تقسیم می‌کنند یا نه. طی دو هفته گذشته تحولات ایران به سرعت توفانی شد و هاشمی رفسنجانی ترجیح داد سکوت اختیار کند تا امواج به نقطه‌ای برسند که او بتواند سوار موج‌ها شود و موج‌ها را تشخیص دهد. هاشمی رفسنجانی ادبیات خاص خود را دارد. به شدت به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی اعتقاد دارد و معتقد است نظام جمهوری اسلامی می‌تواند موفق شود در دنیا الگو معرفی کند. او علاقه خاصی به آدم‌های تاریخی چون امیرکبیر دارد، به همین دلیل در مورد امیرکبیر کتاب نوشت و برای خودش نقشی مانند مه‌تیر محمد در ایران قائل بود. آقای هاشمی هنوز اعتقاد دارد می‌تواند نقشی که بعد از درگذشت آقای بهشتی ایفا کرد و مرجوع‌الطرفین شد و قدرت را بین تمام بازیگران تقسیم کرد، بار دیگر ایفا کند. اما نکته بسیار کلیدی این است که اکنون مخاطبان آقای هاشمی تغییر کرده‌اند و کسانی که جملات او را شنیدند دچار یأس شدند. هاشمی هم به مناسبت هفتم تیر در جمع خانواده کسانی که در حادثه هفتم تیر کشته شدند صحبت کرده و هم در کمیسیون امنیت ملی.

اگر صحبت اول او را بخوایم ملاک قرار دهیم می‌بینیم که هاشمی رفسنجانی هنوز امیدوار است بحران به نقطه‌ای برسد که هر دو طرف ماجرا یعنی جنبش مدنی ایران و صاحبان قدرت به نقطه‌ای برسند که از او نه به عنوان رئیس مجلس خیرگان، بلکه رئیس مجمع تشخیص مصلحت درخواست کنند و وسط بیاید و نقشی ایفا کند و دو طرف را آشتی دهد.

اما این سؤال مطرح است که آیا کسانی که این روزها در خیابان‌های ایران جنبش راه انداخته‌اند و خواستار احقاق حقوق خود هستند، این قضاوت را قبول خواهند کرد یا نه؟ هاشمی صد درصد حامی اصلاح‌طلبان نیست، همچنان که حامی صد درصد اصول‌گرایان هم نیست.

بنابراین سیاستمداری مانند او بیش از آن که اسیر رویاها و آرزوهای خود باشد باید با واقعیت‌های اطراف خود ارتباط برقرار کند. سیاستمدار واقع‌بین نمی‌تواند با رویاهای خود زندگی کند.

در دهه ۶۰ بعد از فقدان آقای بهشتی که روحانیت را رهبری می‌کرد و حتی موفق شد بنی‌صدر را از ریاست جمهوری عزل کند و مسیر را تغییر دهد، هاشمی رفسنجانی توانست به نقش بسیار کلیدی به عنوان رئیس مجلس دست پیدا کند.

در اندیشه سیاسی آقای خمینی، مجلس به عنوان رأس امور جایگاهی کلیدی داشت که حتی ریاست جمهوری هم آن جایگاه کلیدی را نداشت. آقای هاشمی در آن دوران فرماندهی جنگ را به عهده گرفت و به ریاست جمهوری رسید و حتی در به رهبری رسیدن آقای خامنه‌ای نقشی کلیدی را ایفا کرد که فیلم‌ها و اسناد مذاکره آن موجود است.

من فکر می‌کنم اکنون آقای هاشمی نمی‌تواند آن نقش را ایفا کند، در واقع او بر سر یک دوراهی قرار گرفته است، یا باید در کنار مردم بایستد و به عنوان رییس مجلس خبرگان و رئیس تشخیص مصلحت نظام صمیمی عادلانه بگیرد یا در کنار سازمان‌دهندگان حوادث اخیر کودتا و تقلب قرار گیرد. به اعتقاد من این دوراهی بسیار سرنوشت‌ساز است.

## گفت وگوبا ندا در پزشک قانونی کودتا

# تصمیم گرفتم تیر بخورم!

- لطفاً بفرمائید که اصولاً شما چطوری خودت افتادی مردی؟

ندا: من داشتم راه میرفتم که ناگهان متوجه شدم کشته شده‌ام. بلند شدم یک کمی دنبال قاتل دویدم ولی آن مزدور با یک هواپیمای آمریکایی که اسرائیل برای کشتن من به یک بی ناموس داده بود پرواز کرد در رفت. بنده البته مرده بودم ولی از یک برادر بسیجی سلحشور که بطور کاملاً اتفاقی داشت از آنجا رد میشد و اسلحه اش هم هر چی بود کالیبر 6 نبود پرسیدم ببخشید بی زحمت من الان یک کمی تیر خورده‌ام شما خوبی انشالله؟ ایشان در کمال شفقت اسلامی من را برد پزشکی قانونی و آنها با کمال ناراحتی از پدر من خواستند که من را بی سر و صدا همین فردا خاک کنند وگرنه خشتکش را درمی‌آورند!

- بطورکلی انگیزه شما از این اقدام ناجوانمردانه که تیر خوردی چی بود؟

ندا: بنده البته اولش رفته بودم که فقط چماق بخورم ولی چون نیروهای انتظامی اسلحه کالیبر 6 ندارند تصمیم گرفتم تیر بخورم. رفتم با پدرم مشورت کردم. گفت تو دیگر بزرگ شده‌ای هر جور خودت حال میکنی همان کار را بکن. بعد رفتم در یک کوچه ای که غیر از من و خدا هیچکس نبود تیر خوردم که پدرم و یک آدم خیکی همانجور که در فیلم دیدید شاهدند. در آن کوچه واقعاً هیچکس نبود و من اولش ترسیدم که تک و تنها تیر بخورم. بعد یک آقایی آمد گفت اگر اینجا تیر بخوری من از تو فیلم میگیرم و چون من از بچگی خیلی عاشق آر تیست بازی بودم جلوی دوربین تیر خوردم. واقعاً هنوز معلوم نیست در کوچه ای که هیچکس نبود اسلحه کالیبر 6 چیکار میکرد. این موضوع خیلی هم باعث سرگردانی پزشکی قانونی شد ولی چون با تشریح دمپایی من معلوم شد که از پشت تیر خورده‌ام احتمالاً کار جن و پری بوده باشد!

- چه پیامی برای کسانی که هنوز تیر نخورده اند ولی دلشان میخواهد بمیرند داری؟

ندا: پیام من اینست که نیروهای مسلح اسلحه کالیبر 6 ندارند و چون فقط نیروهای مسلح را برای ضد شورش می‌آورند لذا علاقمندان به تیر خوردن در کوچه بن بست که هیچکی هم نیست لطفاً فقط با کالیبر 8 به بالا تیر بخورند که پزشکی قانونی هم تائید بکند. نکت کنید جاهائیکه ما تیر میخوریم هیچکس نیست و تظاهرات هم سه تا محل بالاتر انجام میشود لذا ما باید جوری تیر بخوریم که بعداً بابایمان بتواند برای صدا سیما توضیح بدهد و بینندگان عزیز هم شاخ درنیاورند. لطفاً در تشییع جنازه ی ما کالیبر شیشی‌ها هم شرکت نکنید چون آنوقت بجای اسلحه کالیبر دار با خمپاره به آدم تیر میزنند و چون نیروهای مسلح برای ضد شورش با خودشان خمپاره نمی‌آورند لذا آخرش می‌افتد گردن همان اجنه ای که به من تیر زدند.

# روزنامه سبز

## ضمیمه شماره ۵

### متن کامل بیانیه شماره ۹ رئیس جمهور منتخب میرحسین موسوی

## دولت نامشروع است

## مبارزه ادامه دارد

هموطنان عزیز،

همانگونه که انتظار میرفت شورای نگهبان، پس از نمایش‌هایی که توجه هیچکس را جلب نکرد، و با چشم بستن بر روی انبوه تقلب‌ها و تخلف‌های صورت گرفته، سرانجام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را تایید کرد. جشنواره‌ای که تجدید حیات ملت ما را مژده می‌داد با تقلب و تخلف از عهد‌های اسلام و انقلاب با ناگوارترین صحنه‌ها به پایان رسید؛ با حمله به خوابگاه دانشجویان، با خون‌های ریخته شده، جوانان کتک خورده و مورد اهانت قرار گرفته، صدا و سیمای از انظار جامعه افتاده، قلم‌های شکسته، روزنامه‌های بسته، با فضای امنیتی کودتاگونه و بی‌اعتمادی تلخ و گسترده مردم نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات و دولت ناشی از آن. به زودی گرمای حادثه فرو می‌نشیند و دست‌اندرکاران این ماجرا با صورت حساب بلندبالای اشتباهات خود روبرو می‌شوند. آیا آنان از تحمیل آنچه روی داد سود بردند؟

از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می‌برد و اکثریتی از جامعه، که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی‌پذیرد. دولتی با پشتوانه‌های ضعیف مردمی و اخلاقی که از او انتظاری جز بی‌تدبیری، قانون‌گریزی، عدم شفافیت، تخریب ساختارهای تصمیم‌گیری و تداوم سیاست‌های ویرانگر اقتصادی نداریم، بیم آن می‌رود که بر اثر ضعف‌های بی‌شمار ذاتی و عارضی‌اش در ورطه امتیاز دادن به بیگانگان بیفتد. این چیزی نیست که ما از آن خرسند باشیم، بلکه از آن به شدت واهمه داریم. خطر در پیش است. نظامی که به مدت سی‌سال به اعتماد مردم متکی بود نمی‌تواند یک شبه قوای امنیتی را جایگزین این نقطه اتکا کند. این اعتماد لطمات جدی دیده است؛ اگر انکار این واقعیت سودی می‌رساند، ما نیز با منکران آن همصدا می‌شویم، از بس که خطر عظیم است. اگر آنچه انکارش می‌کنیم واقعا صحت ندارد، چرا به دیگران اجازه اجتماع نمی‌دهیم تا معلوم شود که چقدر اندکند.

باید باز گردیم، هنوز دیر نشده است. هنوز می‌توان اطمینان آسیب دیده مردم را بازسازی کرد؛ امنیت نظام ما در گرو چنین کاری است. فرزندان انقلاب را از زندان‌ها آزاد کنید. حبس آنان جز تغذیه غریزه فرافکنی در وجود خود شما فایده‌ای ندارد. مردم چگونه می‌توانند به حکومتی اعتماد کنند که دوستان و همکاران و فرزندان را به صرف توهم در بند می‌کند؟ چیره کردن فضای امنیتی بر جامعه جز صدمه زدن به عواطف ملت نسبت به نظام اثری نمی‌گذارد. مطبوعات آزاد مجاری تنفسی یک جامعه سالمند؛ برای ترمیم اعتماد مردم این مجاری را مسدود نکنید. باید به اسلام باز گردیم، اسلام ناب محمدی که تحجر را بر نمی‌تابد و تا قیام قیامت برای معضلات جدید بشریت پاسخ‌های بکر و نو دارد. به اسلامی باز گردیم که ما را به امانت و راستی فرا خوانده است.

به صداقت بازگردیم. چگونه از مردم می‌خواهیم ایمان‌های مذهبی‌شان را سرمایه اعتماد به ما قرار دهند در حالی که صراحتاً به آنان دروغ گفته می‌شود؟ به خرد بازگردیم. کشوری به عظمت ایران را، با آرمان‌هایی به بزرگی اهداف انقلاب اسلامی و با دشمنانی به آن سرسختی و کینه‌توزی که می‌شناسیم با دور ریختن سی سال تجربه مدیریتی و انکار ضرورت برنامه‌ریزی و تصمیمات خلق‌الساعه فردی اداره نمی‌توان کرد.

به قانون بازگردیم؛ به قانون اساسی، این بزرگترین میثاق ملت. به قوانینی که خود وضع کرده‌ایم بمانیم و آنها را اجرا کنیم. بدون این کار سنگ روی سنگ بند نخواهد ماند. مردم به حکومتی اعتماد می‌کنند که آنان را محرم بداند. چرا باید مهمترین مسائل مملکت از مردم پنهان باشد؟ محرم دانستن ملت و شفافیت اطلاعات اولین قدم در راه مبارزه با فساد است، حال آن که مردم ما حتی به اندازه خواندن خبرهای چند روزنامه محرم دانسته نمی‌شوند.

به مردم بازگردیم. چرا هر گره سهلی را با دندان‌های امنیتی باز می‌کنیم؟ چرا به کوچکترین بهانه، هرکسی را از دایره خودی‌هایمان دور می‌کنیم؟ این یکی بیش از اندازه جوان است، آن یکی بیش از اندازه هنرمند است، آن یکی روشنفکر است، این یکی با ما اختلاف سلیقه دارد، آن یکی دانشجوی است، این یکی از کار ما ایراد می‌گیرد، آن یکی به گروه ما تعلق ندارد، این یکی قندش بلند است، آن یکی خیلی شیک‌پوش است. آنقدر از دور خود می‌رانیم تا این که تنها می‌مانیم. این شیوه انقلاب اسلامی نیست، و شیوه اسلامی نیست که آغوشش را به روی همه باز می‌کند و به صرف شهادت زبانی، انسان‌ها را در دایره خود می‌آورد.

چرا باید پس از یک انتخابات سرنوشت‌ساز در معرض چنین خطراتی باشیم، حال آن که انقلاب و نظام ما در آستانه تحویل بزرگترین دستاوردها بود؟

مردم!

ما راهی دور و در نگاه نخست غیرقابل عبور را در چند ماه کوتاه پشت سر گذاشته بودیم. ما با هم این فاصله را آمدم؛ از فضایی که به گرد دروغ و تردید و به غبار زمین‌های گروهی،

طبقاتی، خانوادگی و بین‌نسلی آلوده شده بود، از دورانی که نطفه‌ناامیدی شروع به رشد کرده بود، زمانی که فاصله مردم از نظامشان روز به روز بیشتر می‌شد، تا با هم مقدمات انتخابات را به جریانی طولانی از یک تجدید حیات ملی تبدیل کنیم؛ فضایی پر از آشتی، شادی، آگاهی و نشاط، عرصه‌ای که در آن دستداران نامزدها در حالی که خنده از لبانشان رخت بر نمی‌بست می‌توانستند با یکدیگر به بحث درباره آینده بنشینند و آن آزادی فرزانه که انقلاب ما و عده‌اش را داده بود تجربه کنند. فضایی که در آن کسی خود را شهروند درجه دوم و غیرخودی با انقلاب و نظام اسلامی نبیند، و کرد و لر و عرب و بلوچ و ترک و هر قوم دیگر و پیر و جوان و میانسال و هر قشر دیگر و هر صنف دیگر و هر سلیقه دیگر که تا چند ماه پیش خود را بیگانه با سرنوشت کشور می‌دید همچون عهد نخست جمهوری اسلامی، خویشتر را از نو در دایره صاحبان انقلاب بیابد.

ما با هم آمدیم تا با تجسس در احوال شخصی مردم مخالفت کنیم و از نفرت‌پرانی و پرونده‌سازی بیزاری بجویم. با هم آمدیم تا حاکمیت عقل و عشق را توأمان داشته باشیم. همه ما به چهره رحمانی اسلام رو کردیم و در این رویکرد میراث تمدنی ایران عزیز و بزرگ را تجدید شده دیدیم، تا آنجا که در مساجد شعار ایران، ایران! را با طنینی که هنوز در تکبیرهای شبانه شما شنیده می‌شود سر دادیم و کسی احساس نکرد که ایران جدای از انقلاب و با جدای از اسلام است، بلکه اسلام و ایران و انقلاب از تحجر و کهنگی و تعصب و خارجی‌گری جداساز است. اسلامی که در ورای تمایزات عقیدتی و طبقاتی و قومی و جنسیتی کرامت انسان‌ها را ارج می‌نهد و اصل می‌داند. اسلامی که شوییده هر نوع نابرابری در مقابل قانون و پرچمدار تکريم حقوق شهروندی است.

مردم!

علیرغم آنچه روی داد، ما در این چند ماه آرزوهای بلند و کوشش‌های خالصانه خود را نخواستیم. ما در این میانه مستوره‌ای از تحقق آرمان‌هایمان را یافتیم و دیدیم که آنچه به دنبال آنیم چقدر خواستنی است و چه نسبت نزدیکی با حقیقت اسلام و انقلاب و هویت ملی ما دارد. این دستاوردی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از ما بستاند. ما با هم سرمایه‌ای اندوخته‌ایم که پشتوانه و بستر حرکت‌های آتی ما و فرزندانمان خواهد بود و این خط سبز جوشیده از فطرت‌های مردم و واقعیت‌های تاریخی کشور و انقلاب همچنان در طول سال‌ها ادامه خواهد یافت تا به مقصد نهایی خود برسد. ما برای حفظ این دستاورد بزرگ همچنان ایستادگی خواهیم کرد.

تمامی تلاش‌هایی که این روزها در مخالفت با شما صورت می‌گیرد برای آن است که از ثمربخش بودن اعتراضات قانونی خود ناامید شوید، زیرا تا ما ناامید نشویم این دولت از اعتبار واقعی برخوردار نخواهد شد. امید به آینده رساترین اعتراض ماست. به سابقه دیرینه این سرزمین نگاه کنید. در زندگانی ما مردم که از کهن‌ترین تمدن‌ها زاده شده‌ایم، فراز کنونی جزئی از یک تاریخ طولانی است. ما در جاده‌ای به درازای تاریخ همه بشریت قدم می‌زنیم. در این جاده چه بسیار ملت‌ها که منقرض شدند و جز داستانی از آنان باقی نماند. آن چیزی که ملت ما را به خلاف آنان و علیرغم سخت‌ترین رویدادها زنده نگه داشت امید بود، زیرا آفت این راهپیمایی هزاران ساله ناامیدی است. مردم ما می‌توانستند با بدبینی و ناامیدی حوادثی شبیه به آنچه را که در جریان انتخابات گذشته با آن روبرو شدیم پیش‌بینی کنند و به صحنه نیایند. آیا آنان اشتباه کردند که به این پیش‌بینی‌ها اعتنا نکردند؟ نه! آنان به مقتضای روح امیدی که هسته درونی هویت ملی ما را شکل داده و ما را در طول هزاره‌ها زنده نگه داشته است چنین کردند. به‌ویژه با جوانان می‌گویم که اگر می‌خواهید ایرانی باقی بمانید از شعله امید در سینه‌های خود محافظت کنید، زیرا امید بذر هویت ماست؛ بذری که با نخستین باران شروع به رویدن می‌کند و جان هرکسی را که هنوز ایرانی باقیمانده است، در هر کجای جهان که بپتوئه کرده باشد به اهتزاز در می‌آورد، تا از نو خود را در سرنوشت این خاک شریک بداند.

امیدی که هویت ما را شکل داده است معطوف به چه چیز است؟ قطعاً معطوف به امور غیر واقعی و خرافه‌های واهی نیست، و الا نمی‌توانست ملتی را برای هزاران سال زنده نگه دارد. بلکه این امید معطوف به لطف و فضل الهی است. اگر علاقه به این هویت تاریخی کمترین فاصله‌ای با اسلام ندارد، به این خاطر است. ما آمده بودیم این علاقه را احیا کنیم. از این هویت خود فاصله نگیریم. شما وظیفه خویش را به درستی انجام داده‌اید و غیر ممکن است که لطف خداوند مردمی را که با نیت‌های پاک ادای وظیفه می‌کنند تنها بگذارد.

امید به صرف گفتن و شنیدن شکل نمی‌گیرد و تنها زمانی در ما تحکیم می‌شود که دست‌انمان در جهت آرزوهایی که داشتیم در کار باشد. دست‌انمان را به سوی یکدیگر دراز کنیم و خانه‌هایمان را قبله قرار دهیم. و اجعلوا بیوتکم قبله. به خودتان و دوستان همفکران برگردید و این بار هر شهروند محوری باشد برای یک فعالیت مفید سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منتظر تشویق و کمک دولتی که وجاهت خود را از دست داده است نباشد.

مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم و از تلاش برای استیفای حقوق مردم دست بر نداریم. مسئولیت دینی ماست که نگذاریم انقلاب و نظام به آنچه اسلام نمی‌پسندد استحاله بیابد. مسئولیت انقلابی ماست که اجازه ندهیم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهلک شود. لیکن برای آن که این اعتراض به نتیجه‌ای دلخواه برسد باید چند اصل مهم را رعایت کنیم:

- نظام و انقلاب اسلامی میراث و میوه مبارزات تاریخی دویست ساله شما با استبداد و عقب‌ماندگی است. جمهوری اسلامی نظامی است که اگر بر اساس عهد نخستین و نسخه اصلیش به اجرا درآید تمامی خواسته‌های ما را در بر می‌گیرد. مبدا کسی فریب شعارهای ساختار شکنانه را بخورد. اینجانب قویا با چنین وسوسه‌های مخالفم و اعتقاد دارم قانون اساسی ما همچنان دارای ظرفیت‌های ارزشمند تحقق ناپافته‌ای است که باید با فعالیت همه نخبگان روحانی و دانشگاهی و اندیشمندان کشور اجرای آنها به صورت مطالبه‌ای ملی درآید.

به یاد آوریم که ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختار شکنی گردید. به همه نهاد‌های تصمیم‌گیر در نظام توصیه می‌کنم که چون شورای نگهبان عمل نکنند و مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند، زیرا که بسته شدن این راه، تهدید ساختار شکنی را به عنوان تنها تبدیل مطرح خواهد کرد، و این بدیلی است که همه ما هزینه سنگین آن را می‌دانیم و قاطعانه با آن مخالفیم. همچنین تاکید می‌کنم که تغلل در محقق ساختن آرمان‌هایی چون قانون‌گرایی، عدالت، آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، و به ویژه اصول معطل مانده قانون اساسی مشر و عیت‌سوز است.

- اسلام آن پوستین وارونه‌ای نیست که برخی مخالفان شما پوشیده‌اند. شیوه آنها این است که هر چیز مقدس و مبارکی را به نفع سلیقه خود مصادره کنند، تا جایی که حتی اگر بتوانند شال سبز شما را هم می‌ستانند. اسلام راستین نسبتی با ظاهر سازی‌ها و کج‌اندیشی‌های آنان ندارد، بلکه مکتبی رهائی‌بخش است که اگر به حقیقت و نورانیت آن برسیم دواي تمامی دردهای شخصی و اجتماعی ماست.

- ماجرای ما، هر چقدر تلخ، یک اختلاف خانوادگی است که اگر خامی کنیم و بیگانگان را در آن دخالت دهیم به زودی پشیمان خواهیم شد.

- در اعتراض و حرکت اصلاحی و اصولی ما هیچ‌کس نباید صدمه ببیند. ما زمانی در تلاش خود موفق خواهیم بود که ابتکارهای ما برای احقاق حقوقمان تا آن حد اندیشیده شده، کارآمد و در چارچوب قانون باشد که حتی کودکان خردسال و زنان باردار بتوانند در آن شرکت کنند.

- ما در برهه‌ای از تاریخ کشور خود قرار داریم که راحل بسیاری از مشکلات ما قانون است. درست است! قانون همیشه بی‌عیب نیست. درست است! قانون عرفی قراردادی اجتماعی است و به مانند هر عهد و پیمانی که انسان‌ها با هم می‌بندند رعایت آن تنها تا زمانی الزامی است که طرف مقابل نیز به آن پایبند باشد. درست است! مخالف شما قانون اساسی را زیر پا می‌گذارد، به خلاف نص این میثاق ملی شما را از حق برگزاری اجتماعات محروم می‌کند، بلکه حتی اگر به نشانه اعتراض پارچه‌ای سبز به دستتان ببندید به رغم اصول متعدد قانون



اساسی و قوانین بی‌شمار عادی، خود آن کسی که مسئول حفظ امنیت است شما را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. درست است! متقلبان و دروغگویان تنها به نیت تحمیل منویاتشان در پشت نام قانون سنگر گرفته‌اند. لیکن تلاشی که ما وارد آن شده‌ایم یک مشاجره و تلافی‌جویی نیست. ما را عصبانیت یا جامللی یا خودپسندی برنیا نگیخته است، بلکه حرکت ما اقدامی برای اصلاح و تامین بهروزی کشور است. برای رسیدن به چنین هدفی جا دارد که ما حتی به جسد قانون احترام بگذاریم، زیرا می‌دانیم که در فردای نزدیک، زمانی که کوشش‌مان به ثمر می‌رسد، نخستین اصلی که باید آن را نهادینه کنیم پابندی به قانون است. این شالوده‌ای است که امروز صبورانه می‌ریزیم تا بر رویش بنای رفیع فردایمان را استوار کنیم.

- سرانجام وحدت. همه شما را به برادری دعوت می‌کنم. پیروزی ما در گرو معاضدت و پیوند با یکدیگر است، و در این یکدیگر تمایزی میان ما و مردمی که به دیگران رای داده‌اند نیست. حتی

آنانی که اینک رو در روی ما به خشونت متوسل می‌شوند در اخوت ما شریکند، زیرا ما به دنبال آینده‌ای هستیم که در آن همان کسی که خواهر و برادرمان را در خیابان‌ها کتک زده است، سعادتمندتر، معنوی‌تر، سالم‌تر و زیباتر از امروز زندگی کند. رنگ سبزی که ما به عنوان نماد خود انتخاب کرده‌ایم یک معنایش هم این است؛ رنگ سبزی که ما را به اهل‌بیت نور، اهل بیت راستی، اهل‌بیت خرد، اهل بیت کرامت و فضیلت پیوند می‌دهد.

شاید بگویند که با این همه قید و بند دیگر فرجه‌ای برای بیان اعتراض باقی نمانده است. این گمان خاصی است که مخالفان سطحی‌اندیش و افراطی شما در سر دارند. الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا کسانی که در راه خدا می‌کوشند خداوند آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کند. به عنوان نمونه‌هایی از این هدایت به یاد آورید که خداوند چگونه آرامش را بر اجتماعات بی‌کراتمان مسئولی می‌کرد و یا در خلال آنها ظرفیت‌های ذهنی مردم به چه شعارهای نغزی رهنمون می‌شد. همان خلاقیت همچنان قادر است که با توجه به تمامی این اصول راکارهایی بکر و موثر پیش‌پای ما قرار دهد، میدان‌های گسترده‌ای برای عمل در مقابل ما بگشاید و تجربیات جدیدی برای از ادیخواهان جهان اندوخته کند.

در ابتدا هدف همه ما از شرکت در انتخابات آن بود که عقلانیت دینی به فضای مدیریت کشور بازگردد، لیکن در میانه مسیر به اهدافی بسیار بلندتر هدایت شدیم. ما در این بین می‌خواستیم ارکان ذریب‌نظام به یاد آورند که در ورای تمامی آنان و ما فو قشان میزانی به نام رای و عزم مردم وجود دارد که آنها نه حق دارند و نه می‌توانند آن را نادیده بگیرند. امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبه انکار ناپذیر مردمی تبدیل شده است. در هر قدمی در آینده تجربه تلخ و مشرو عبت‌زادی جریان‌ات اخیر باید پیش‌روی ملت باشد و نباید هیچ فرصتی برای روشن‌تر شدن ابعاد این دروغ و تقلب بزرگ و پی‌آمدهای تلخ آن از دست برود.

در ایامی که گذشت شخصیت‌ها و گروه‌هایی به سراغ اینجانب آمدند و خواستار گذشت من از آنچه گذشت شدند. شاید توجه نمی‌شد که اینجانب از همان ابتدا از حق شخصی خود گذشته بودم، اما مسئله انتخابات مسئله شخصی من نبود و نیست. من نمی‌توانم بر سر حقوق و آرای پایمال شده مردم معامله یا مصالحه کنم. مسئله جمهوریت و حتی اسلامیت نظام ماست. اگر در این نقطه ایستادگی نکنیم، دیگر تضمینی نداریم که در آینده با حوادث تلخی نظیر آنچه در انتخابات کنونی گذشت روبرو نباشیم.

گروهی از نخبگان بر سر آنند که گرد هم آیند و با تشکیل جمعیتی قانونی صیانت از حقوق و آرای پایمال شده مردم در انتخابات گذشته را از طریق انتشار مدارک و اسناد تقلب‌ها و تخلف‌های انجام گرفته و نیز رجوع به محاکم قضایی پیگیری کنند و نتایج آن را مستمرا به اطلاع عموم مردم برسانند. اینجانب نیز به این جمع می‌پیوندم. این گروه اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی را در دستور کار خود خواهد داشت و علاوه بر آن در این مرحله مطالبات زیر را دنبال خواهد کرد:

- توقف برخوردهای امنیتی، فوق امنیتی و نظامی با مسائل انتخاباتی و بازگشت کشور به فضای طبیعی سیاسی

- اصلاح قانون انتخابات به نحوی که امکان تکرار تقلبات گسترده را از بین ببرد و بی‌طرفی نهادهای مجری و ناظر را تضمین کند

- رعایت اصل 27 قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات

- آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنها

- فعالیت مجدد سایت‌های خبری مستقل

- ممنوعیت مداخلات غیرقانونی دولت در فضای ارتباطی، نظیر اینترنت، پیام‌های کوتاه، و جلوگیری از قطع ارتباطات تلفنی و شنود مکالمات مردم و هر گونه تجسس دیگر

- توقف برخوردهای یکجانبه، افترا، دروغ‌پردازی و اهانت در رسانه رسمی کشور

- برخورداری از کانال‌های مستقل تلویزیونی در خارج و داخل کشور

- صدور مجوز برای تشکیل جمعیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

- آزادی همه دستگیرشدگان سیاسی، ابطال پرونده‌سازی‌های جعلی امنیتی و دخالت ندادن پرونده‌های جاری در برخورداری آنها از حقوق اجتماعی

در انتها به همه مردم شریف کشورمان، چه آنها که به اینجانب رای دادند و چه آنهایی که به اینجانب رای ندادند، به ویژه کسانی که در حوادث ناگوار هفته‌های اخیر صدمه دیدند درود می‌فرستم. همچنین مقام شهیدانی را که به جرم حق‌خواهی و آزادی‌طلبی در خون خود غلط‌بند ارج می‌نهم و از خداوند بزرگ برای خانواده‌های عزیز آنان طلب صبر و اجر دارم.

میر حسین موسوی

10/4/88

# متن کامل آخرین سخنان محمد خاتمی

## کودتای مخملی علیه مردم و جمهوریت

اعتراض مردم سرکوب شده، کسانی که باید مدافع حقوق مردم باشند آن ها را تحقیر می کنند و در فضایی تبلیغاتی که مدام از آن سم به جامعه تزریق می شود حرکت مترقی و آرام مردم به اغتشاش و انقلاب رنگی با منشاء بیگانه تعبیر می شود و چهره هایی که همگی سابقه ای روشن دارند هدف پروژه نخ نمای تواب سازی و گرفتن اعتراضات بی اساس و نمایشهای تلویزیونی قرار می گیرند و آنگاه دم از آشتی ملی و فضای آرام زده می شود؟!

سید محمد خاتمی در دیدار با خانواده های دستگیر شدگان دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: علاقمند بودم امروز می توانستم همه خانواده هایی که در سراسر کشور عزیزانشان در بند هستند و هیچ فریادرسی ندارند را از نزدیک در یک جمع ببینم و ضمن تشکر از نجابت و صبوری آنها و تلاشهای عزیزانشان که به طور قطع در جهت آرمانهای انقلاب و ارزش های تحریف نشده نظام بوده به یکایک آنها عرض ادب و احترام کنم و مراتب همدلی خود را با آنها ابراز کنم. همانطور که وظیفه داشتم با خانواده هایی که عزیزانشان در جریان اعتراضات آرام مردمی بی رحمانه به شهادت رسیدند و حتی از برگزاری مجلس بزرگداشت هم محروم شدند دیدار کنم و حضورا تسلیت بگویم. تعداد این عزیزان کم نیست، این را آمارهای رسمی و غیررسمی می گویند.

نظام جمهوری اسلامی باید حتی نسبت به ریختن یک قطره خون هم حساس باشد و با دوراندیشی و احساس مسؤولیت به مسأله رسیدگی کند، نه اینکه با ایجاد فضای تبلیغاتی مسموم حرکت آرام و هوشمندانه مردم را اغتشاشی که توسط چند نفر از بیرون نظام هدایت می شود بخواند. این توهین به شعور و بلوغ سیاسی مردمی است که با رأی خود برای تغییر ساز و کارهای غلط به عرصه آمدند، نه برای تغییر نظام و اعتراضشان هم به این بود که سرنوشت رأیشان چه شده است؟

تلاش ما در تمام این مدت دعوت مردم به حضور در صحنه انتخابات بود و احساسمان این بود که ما هم جزئی از نظامیم؛ البته با تعریفی که از نظام داشتیم و هنوز هم اعتقاد داریم هر خودسری نباید به نام نظام انجام شود.

تعریف ما از نظام جمهوری اسلامی نظامی است که مردم در آن محور و مدارند و بزرگترین سرمایه آن اعتماد مردم است و وظیفه خطیر حاکمیت صیانت از آراء مردم است.

در سفرهای مختلفی که در جریان انتخابات داشتیم مردم از من می پرسیدند تضمین شما برای صیانت از آراء ما چیست؟

بخش قابل توجهی از مردم به دعوت ما به صحنه آمدند اما با این نتیجه و این برخوردها مطمئن باشید دیگر نه ما می توانیم با اطمینان کسی را به حضور در صحنه دعوت کنیم و نه دیگر کسی حرف ما را خواهد پذیرفت.

اگرچه من هم مانند شما نگران عزیزیانی که دستگیر شده اند هستم و از مرگ تعداد زیادی از هموطنانمان داغدار، اما نگرانی اصلی همه ما از میان رفتن اعتماد مردم به عنوان بزرگترین پشتوانه و سرمایه نظام است.

پیشنهاد مشخص ما برای برون رفت از این وضعیت تشکیل یک هیأت کاملاً بی طرف برای بررسی تمامی جوانب این انتخابات بود تا پس از بررسی دقیق و موشکافانه اگر به تخلفی پی برد نظام با شجاعت به آن اعتراف کند و اگر مسأله ای در میان نبود با استدلال منطقی اذهان مردم اقناع شود.

فلسفه انتخابات با همه هزینه هایش این است که نماینده مردم بر مسند امور گماشته شود، اما زمانی که ذهن جامعه از نتایج انتخابات اقناع نشده است فلسفه اصلی انتخابات زیر سؤال خواهد رفت و نظام شکست خواهد خورد.

متأسفم از اینکه اعلام کنم جرم شما و عزیزانتان این است که در ایران ماندید و برای تقویت نظام و تأمین حقوق مسلم مردم تلاش کردید و اینک باید مورد بی مهری و کم لطفی قرار بگیرید. کسانی که لب به اعتراض گشودند دلسوز ایران بودند، دلسوز نظام بودند. خیرخواهان هم متفق بودند که برای داوری درباره انتخابات به مرجعی که بی طرف نیست اکتفا نکنید.

تشکلهای رسمی و ریشه دار انقلاب از وزارت کشور برای برگزاری تجمعی قانونی در اعتراض به نتایج انتخابات درخواست مجوز کردند. اما عدم صدور مجوز از یک سو و بستن تمام راههای ارتباطی خیرخواهان و بزرگان با مردم باعث شد آن حضور میلیونی که از حیث جمعیت از بزرگترین راهپیمایی های انقلاب چیزی کم نداشت اتفاق بیافتد، در کمال آرامش، بدون شعار و تنها با این پیام که سرنوشت رأی ما چه شد؟

و پاسخ حکومت به این حرکت بزرگ مردمی چه بود؟! ریختن خون مردم، امنیتی کردن فضای جامعه و اتهام زنی به خیرخواهان نظام.

واقعا جای تعجب دارد که موسوی عزیز که از سرمایه های نظام است و در ایمان و تدین و پایبندی او به راه امام شکی نیست، امروز با ایجاد فضایی کاملاً یک طرفه و با بستن تمامی راههای قانونی ارتباطی بر روی جامعه و در فضای تبلیغاتی مسموم صدا و سیما و روزنامه های دولتی که از طریق آن ها فقط سم در جامعه پراکنده می شود با انواع اتهامات بی اساس آماج حمله قرار گرفته است! مگر ایران چند نفر مانند مهندس موسوی و آقای کروبی دارد؟

امکانات مخابراتی، اینترنت و مطبوعات را به شدت محدود کرده اند و در فضایی کاملاً بسته و امنیتی که هر روز دهها نفر در کمال بی خبری دستگیر می شوند رسانه به اصطلاح ملی بارها و بارها صحنه های خاصی را نشان می دهد تا از آن برای تحریک احساسات بخشی از جامعه بهره برداری کند و آنگاه انگشت اتهام را به سوی مردم نشانه می گیرد که چرا برای دریافت اخبار و اطلاعات به منابع دیگر رجوع کرده اند!

میلیون ها نفر از مردمی که صدا و سیما مرتب از حماسه آنان دم می زند به نشانه اعتراض و در حالی که تمام راههای قانونی به روی آنها بسته شده به صحنه آمده اند، دهها نفر کشته شده اند و صدها نفر مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند! کجاست صدا و سیما که این ها را به جامعه نشان دهد؟ مسلم است که در این فضا افراد معدودی هم سوء استفاده خواهند کرد، اما نه زن و مرد و پیر و جوانی که برای نشان دادن اعتراض خود با سکوت به خیابان آمده اند.

من با تمام احترام و علاقه ای که به آیت الله شاهرودی دارم به صراحت می گویم آنچه امروز شاهد آن هستیم خلاف بند بند بخشنامه ای است که خود شما تحت عنوان حقوق شهروندی صادر کردید و مجلس ششم آن را به عنوان قانون تصویب کرد. وظیفه قانونی و شرعی شما بود که به عنوان رئیس قوه قضائیه از ابتدای بروز این حوادث با جدیت اعمال مسؤولیت می کردید و در مورد نحوه بازداشتها، اختیار وکیل، شرایط زندانیان و بازجوییها قانون شکنان خنونت گرا را موظف به رعایت قانون و شرع می فرمودید. اگرچه تشکیل هیاتی برای رسیدگی به این موضوع پس از یک هفته جای امیدواری است ولی اعمال مسؤولیت شما یعنی از ادی این جمع کثیر، رسیدگی به تمام افتراهایی که به شخصیتها و سرمایه های نظام زده شده، توهین هایی که

به مردم شده.

من هرگز چه در زمان مسؤولیت و چه حالا از عمل مجرمانه دفاع نکرده ام، ولی شما مسؤولید به حکم وظیفه پیگیری کنید تا این نگرانی رفع شود.

مگر هرکس می تواند به هر صورت خواست مردم را بازداشت کند، بعد آنها را بازجویی کند و بدون اینکه کسی اطلاع از نحوه برخوردها و فشارهای وارده به آنها داشته باشد تواب سازی و اعتراف گیری کند و پیش از اینکه در دادگاهی صالح این اعترافات بی اساس و بی ارزش به قضاوت گذاشته شود آنها را در سطح جامعه منتشر کند و دستگاه قضایی اظهار بی اطلاعی کند؟! اگر اینچنین است تکلیف بر همه ما روشن است.

اگر معتقد جرمی واقع شده مکلفید به صراحت قانون متهم را با رعایت تمام حقوق شهروندی و با ارائه حکم قضایی که دال بر طرح شکایت حقیقی یا حقوقی از وی باشد بازداشت کنید، به او حق انتخاب وکیل بدهید، و آنچه قانون اساسی به عنوان حقوق یک شهروند برشمرده برای او فراهم آورید و در دادگاهی صالح به جرمی که ادعا شده رسیدگی کنید، نه اینکه به این شکل فله ای علاقمندان به نظام و ایران توسط عده ای که هیچ کس مسؤولیت کارشان را به عهده نمی گیرد دستگیر شده، تحت فشار قرار گیرند و دستگاه قضایی و اطلاعاتی کشور رسماً اظهار بی اطلاعی کند؟

دلسوزان نظام از هر دو جناح در مورد نتایج اعلام شده انتخابات یک صدا گفتند اعتراض مردم باید مورد توجه قرار گیرد و با اکتفا به قضاوت مرجعی که بی طرفی اش با جانبداری چند تن از اعضاء سرشناس آن از یک طرف این ماجرا به کلی زیر سؤال رفته جامعه اقتناع نخواهد شد و نشد و مرحمی بر این زخم نخواهد گذاشت و نگذاشت. حالا همه از فضای آرام سخن می گویند.

فضا چگونه باید آرام شود؟ با ادامه این دستگیریها، با امنیتی کردن بیشتر فضا؟! آشتی ملی به این ترتیب؟!

واقعیت این است که جامعه از نتیجه ای که اعلام شده اقتناع نشده است.

اگر خواهان آرامش در جامعه ایم، باید مسبب این خشونتها و دستگیریهای غیرقانونی به سرعت شناسایی و به مردم و مراجع قضایی معرفی شوند و این فضای زشت امنیتی برداشته شود.

بعد در آرامش همه چیز را بسنجیم و ببینیم که چه کسانی شرایط برد برد را برای نظام به باخت باخت تبدیل کردند.

در فضایی که خشونت حاکم شد عقل رخت بر می بندد و مسبب تمام این خساراتی که متوجه ایران و جمهوری اسلامی شد بانیان این خشونت هستند.

آنانکه اعتراض مردم را سرکوب می کنند بزرگترین پشتوانه نظام را از بین برده، فرصت را برای سوء استفاده بیگانگان و مغرضان فراهم می کنند، نه کسانی که مردم را به صحنه فراخوانده و خواهان رسیدگی به اعتراض مردم در فضایی بی طرف و مورد اعتماد جامعه هستند.

کسانی که باید مدافع حقوق مردم باشند آن ها را تحقیر می کنند و با به کار بردن الفاظی سخیف و عجیب احساسات بخشی از جامعه را تحریک کرده اند و بزرگترین تهمت ها و اهانت ها را به چهره هایی که هر یک سرمایه نظام هستند روا داشته اند مجرم اند، نه عزیزان شما که جرمشان دفاع از حق مردم برای تعیین سرنوشت خود بوده و از آراء مردم دفاع کرده اند.

در فضایی تبلیغاتی که مدام از آن سم به جامعه تزریق می شود حرکت مترقی و آرام مردم به اغتشاش و انقلاب رنگی با منشاء بیگانه تعبیر می شود و چهره هایی که همگی سابقه ای روشن دارند، با اعمال روشهای غیرقانونی و غیرشرعی دستگیر می شوند و هدف پروژه نخ نمای تواب سازی و گرفتن اعترافات بی اساس و نمایشهای تلویزیونی قرار می گیرند و شاهد رفتارهای زشتی هستیم که سالها پیش ریشه آن لاقال در وزارت اطلاعات کنده شد و آنگاه دم از آشتی ملی و فضای آرام می زنیم؟!

این حرفهای بی اساس یعنی چه؟ براندازی و انقلاب رنگی یعنی چه؟

اگر این فضای مسموم تبلیغاتی و امنیتی ادامه پیدا کند، با توجه به آنچه انجام گرفت و یک طرفه اعلام شد باید بگویم کودتای مخملین علیه مردم و جمهوریت نظام صورت گرفته.

با وضعی که ایجاد شده اگر اعتماد عمومی به جامعه بازنگردد هیچ کس دیگر دعوتی از سوی خیرخواهان برای حضور در صحنه را نخواهد پذیرفت. حتی اگر فقط ده درصد از جامعه به حاکمیت بی اعتماد شده باشند فاجعه است، در حالی که هر نگاه واقع بینی می بیند که دامنه بی اعتمادی بسیار گسترده تر است.

فضای آرام زمانی ایجاد می شود که اعتماد مردم جلب شود و بدانند بر سر آراشان چه آمده، ضاربین و قاتلین مردم بی گناه شناسایی و محاکمه شوند و خسارت های مادی و معنوی جبران شود.

همه شما را که مؤمن، معتقد و دلسوز ایران و جمهوری اسلامی هستید به صبر دعوت می کنم.

هیچ کار درستی به نتیجه نمی رسد مگر با صبر و تحمل. به خدا توکل کنید و با تمام توان از مسیرهای قانونی حق مسلم خود را مطالبه نمایید.

مطمئن باشید من هم همانطور که تا به حال اقداماتی کرده ام باز هم از هیچ کوششی فروگذار نخواهم کرد و امیدوارم مجموعه نیروهای نظام با تدبیر و دلسوزی و عقابیت این اعتمادسازی را جدی بگیرند و امیدوارم آیت الله شاهرودی در ماههای آخر مسؤولیتشان در قوه قضائیه با اعمال مسؤولیت سریع و قاطع زمینه آزادی عزیزانتان و جلوگیری از ادامه این خشونت ها را فراهم آورده و باقیات الصالحاتی برای خود به جای گذارند.

نیاید تصور کرد که با سرکوب اعتراضات مردم اقتناع می شوند، اعتراضی که سرکوب شود ادامه خواهد یافت اگرچه ممکن است شکل آن تغییر یابد. ابراز نظر و اعتراض حق مردم است و حکومت موظف است آن را پاس دارد.

در آغاز این دیدار خانواده دستگیرشدگان که اکثراً فعالان سیاسی و روزنامه نگاران و وکلا هستند پس از شرح چگونگی و زمان دستگیری آنها، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت نگهداری عزیزانشان و با اعلام بی خبری کامل از شرایط روحی و جسمی آنها که تنها با یک تماس تلفنی کوتاه حیات خود را اعلام کرده اند خواستار آزادی هرچه سریعتر عزیزانشان شدند که با تلاش و کوشش شبانه روزی و تشویق مردم برای حضور در صحنه انتخابات، حماسه ای بزرگ را در تاریخ آفرینند و اینک در کمال ناپاوری به عنوان عوامل بیگانه تحت فشار قرار گرفته اند تا در نمایشهای تبلیغاتی به گناه های ناکرده اعتراف کنند و پاسخ مسؤولان دستگاه قضایی به دادرزیه ای که به حق آنها تنها اظهار بی اطلاعی و بعضاً جملاتی است که با نوعی تحقیر شکننده همراه است.

خانواده های فعالان سیاسی و روزنامه نگاران و وکلای دستگیر شده، ضمن محفوظ دانستن حق اعتراض خود به آنچه امروز شاهد آن هستند، از ایجاد شکافی عمیق میان راه و اندیشه های

حضرت امام و مسیری که جمهوری اسلامی در صورت ادامه این روند در آن قرار می گیرد ابراز نگرانی جدی نموده، خواستار ورود خیرخواهان و عقلا جامعه و به ویژه یاران و

نزدیکان حضرت امام به صحنه و جلوگیری از بروز انحرافی شدند که می تواند انقلاب و اسلام را با خطرات جدی روبرو کند.